

○ مسعود کوهستانی نژاد، اسناد دادگاهها و هیئتهای منصفه مطبوعاتی از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، چاپ اول: ۱۳۸۱ رقی، شمیمز

اگرچه روزنامه نگاری ایران با کاغذ اخبار میرزا صالح شیرازی که در عهد محمدشاه قاجار انتشار یافت آغاز می‌شود، تطور و تکامل آن از عهد ناصرالدین شاه به بعد بوده است؛ آن هم تطور و تکاملی که پیوسته با سانسور عجین بوده است. از این رو، باید گفت که روزنامه نگاری ایران پیش از آن که با مسئله‌ای به نام دادگاهها و هیئتهای منصفه مطبوعاتی مواجه شود، با معضلی به نام سانسور دست به گریبان بوده است. سانسوری که پیوسته بریدن زبان قلم را موجب گردیده و اگر هم در این راه موفق نبوده، به مدد قوانین، شمار قابل توجهی از نویسندگان و روزنامه نگاران را یا به زندان و شکنجه و تبعید برده یا به دست مرگ سپرده است.

نخستین قانون رسمی ممیزی کتاب و مطبوعات در سال ۱۲۹۶ قمری به دستور ناصرالدین شاه و با نظارت کنت دوموت فرت^۱ ایتالیایی که رئیس نظمیة وقت بود، تهیه شد. در این متن قانونی آمده است:

«کسی که کتابی انتشار دهد که بر ضد مذهب یا دولت و ملت بوده باشد، از پنج ماه الی پنج سال حبس خواهد شد. کسی که جسارت نموده در ضد پادشاه اعلانات و نوشتجات در کوچه‌ها بچسباند، هرکس بوده باشد و همچنین کسی که مخالف مردم حرکتی کرده و اذیت برساند، برحسب تقصیر او، از یک ماه الی پنج سال حبس خواهد شد. کسی که برخلاف پادشاه یا قانون حرف بزند [یا] تحریک بد در نظر داشته باشد، بعد از تحقیق و ثبوت از یک سال الی

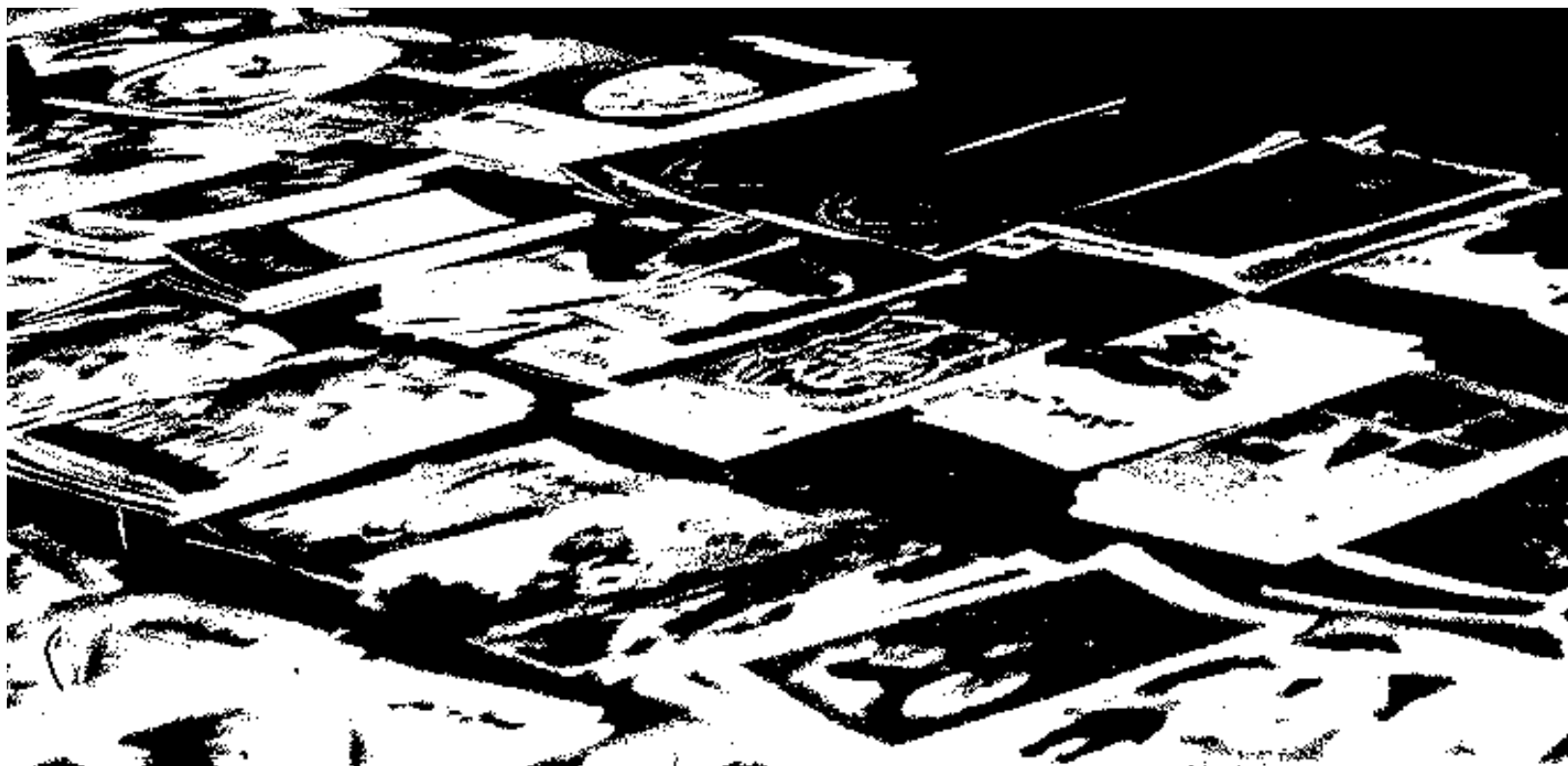
اسناد دادگاهها و هیئتهای منصفه مطبوعاتی از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی

نقد و بررسی

کتاب ماه کلیات / مهر و آبان ماه ۱۳۸۱

۱۱۲





به شدت کاسته بود.

تنها نخبگان جامعه نبودند که از شیوه عمل و محتوای این نشریات ناراضی بودند؛ بلکه روزنامه‌نویسان فرنگی نیز اعتباری برای مطالب این نشریات قایل نبودند.

در این خصوص به نامه میرزا حسین خان سپهسالار (۱۲۴۳ - ۱۲۹۸ ه.ق.) که از دولتمردان عهد ناصری است باید اشاره کرد. وی در نامه‌ای که خطاب به ناصرالدین شاه نوشته و تاریخ آن شوال ۱۲۹۲ قمری است، در باب ایجاد روزنامه غیررسمی یعنی ایجاد روزنامه غیردولتی چنین می‌نویسد: «در باب ایجاد روزنامه غیررسمی در طهران، و رو به خودکردن روزنامه‌نویسان فرنگستان [که] در امر قضا بنیان ملوکانه عز اصدار پذیرفته بود، بدون هیچ‌گونه شائبه تملق چاکری، می‌تواند با کمال انکسار جسارت به عرض ورزد که از ملهمات غیبیه است و ایجاد این روزنامه از واجبات و علاج بسی اشکالات و مانع خیلی ظهورات می‌تواند شد و چه بسیار خیالات را به واسطه آن می‌توان قوت داد.»

ولی من غیر جد جسارت به این عرض عبیدانه می‌ورزد که به ملاحظات عدیده مصنف این روزنامه با روزنامه حالیه بایست علیحده باشد که سد بعضی خیالات خارجه را نموده، غیر رسمی صرف شود. تا رای آفتاب ضیای مبارک چه اقتضا فرماید.^۲

اعتماد السلطنه نیز در روزنامه **خاطرات** ذیل یکشنبه ۲۸ شوال ۱۲۹۲ قمری در خصوص دستور ناصرالدین شاه برای ایجاد روزنامه غیردولتی چنین می‌نویسد: «امروز شاه فرمودند در طهران احداث یک روزنامه آزادی شود که بعضی اخبار در آنجا ثبت شود.»^۳

به این ترتیب، ناصرالدین شاه برای نخستین بار فرمانی در ایجاد روزنامه‌های غیردولتی، صادر می‌کند. نتیجه این فرمان کمی بیش از دو ماه بعد به بار می‌نشیند و در نخستین روزهای سال ۱۲۹۳ قمری، یعنی در ۹ محرم این سال، روزنامه‌ای دو زبانه به زبانهای فارسی و فرانسوی به نام **وطن** منتشر می‌شود. در بخش فرانسوی این روزنامه عنوان «**لاپاتری**»^۴ قید شده بود.



پنج سال به درجه تقصیرات، با زنجیر محبوس خواهد شد. کسی که کنکاش و خیالات تحریک‌پد در حق دولت بکند و یا افترا و تهمت تحریراً و تقریراً به دولت بزند، بعد از ثبوت تقصیر او، برحسب حدود تقصیرات، از یک سال الی پانزده سال محبوس خواهد شد.»^۲

بیان این نکته ضروری است که پیش از ابداع قانون یاد شده، و با وجود دولتی بودن جرایم آن دوره که بالطبع منافع هیئت حاکمه را مدنظر قرار می‌دادند، باز هم مطبوعات از سانسوری رسمی که مستقیماً شخص ناصرالدین شاه و وزارت انطباعات اعمال می‌کردند بی‌بهره نبودند.

نتیجه رسمی بودن یا به عبارتی دولتی بودن، جرایم، یکنواخت بودن و کم محتوایی این جرایم بود. همچنین تملقات و چاپلوسی‌هایی که در این نشریات از شاه و درباریان صورت می‌گرفت. از اعتبار این نشریات در میان تحصیلکردگان جامعه



کتاب ماه کلیات / مهر و آبان ماه ۱۳۸۱

ه. ق. فرمان مشروطیت را صادر کند که نتیجه آن افتتاح مجلس شورای ملی در اواسط شعبان ۱۳۲۴ ه. ق. بود. پس از تشکیل مجلس، تهیه و تنظیم قانون اساسی در صدر امور مجلس قرار گرفت که در ۱۴ ذی القعدة همان سال به امضای مظفرالدین شاه که آخرین روزهای حیات را می‌گذراند رسید. پنج روز پس از امضای قانون اساسی، مظفرالدین شاه درگذشت و پسرش محمدعلی میرزا که ولیعهدی پدر را برعهده داشت به سلطنت رسید. محمدعلی شاه که در آغاز با مشروطه همراه بود، بعدها در برانداختن مشروطه تلاشهای زیادی کرد؛ به گونه‌ای که در ۲۳ جمادی‌الاول سال ۱۳۲۶ ه. ق. مجلس را به توپ بست و آن را منحل کرد.

اصول سیزدهم و سی و هشتم قانون اساسی که به امضای مظفرالدین شاه رسید، در خصوص روزنامه‌ها بود.

در اصل سی و هشتم به همین مختصر اشاره شده است که در مباحث مطروحه در مجلس شورای ملی اظهار رد و قبول

روزنامه وطن یا لاپاتری در همان اولین شماره از آزادیهای سیاسی و اجتماعی حمایت کرد. همین امر خشم ناصرالدین شاه و اطرافیانش را برانگیخت و با همان اولین شماره به تعطیلی کشیده شد. حتی از توزیع همان یک شماره نیز جلوگیری کردند. به همین دلیل تاکنون هیچ نسخه‌ای از این نشریه پیدا نشده است و موجود نیست. آگاهی‌های اندکی نیز که از این روزنامه در دست است به واسطه اطلاعاتی است که خارجی‌های مقیم ایران و جهانگردان خارجی در اختیار ما قرار داده‌اند.

با قتل ناصرالدین شاه به دست میرزا رضای کرمانی، در ۱۷ ذی‌العده سال ۱۳۱۳ قمری، طومار پنجاه سال سلطنت ناصری به پایان رسید. سلطنت پسرش، مظفرالدین شاه شد. مقارن با اوج‌گیری نهضت مشروطه خواهی شد.

پافشاری آزادیخواهان در برقراری مشروطه، سرانجام مظفرالدین‌شاه را بر آن داشت تا در تاریخ ۱۴ جمادی‌الثانی ۱۳۲۴

**اصول
سیزدهم و
سی و هشتم قانون
اساسی که به امضای
مظفرالدین شاه رسید، در خصوص
روزنامه‌ها بود. در اصل سی و هشتم به
همین مختصر اشاره شده است که در مباحث
مطروحه در مجلس شورای ملی اظهار ردّ و
قبول اعضای مجلس باید به قسمی
باشد که روزنامه‌نویس و
تماشاچی هم بتوانند
ادراک کنند.»**

اصل بیستم متمم قانون اساسی

می‌گوید:

«عامه مطبوعات، غیر از کتب ضلال و موادّ مضرّه به دین مبین، آزاد و ممیزی در آنها ممنوع است. ولی هرگاه چیزی مخالف قانون مطبوعات در آنها مشاهده شود، نشردهنده یا نویسنده بر طبق قانون مطبوعات مجازات می‌شود.

اگر نویسنده معروف و مقیم ایران باشد، ناشر و طابع و موزع از تعرض مصون هستند.»^۲

در اصل هفتاد و هفتم متمم قانون اساسی آمده است:

«در ماده تقصیرات سیاسیه و مطبوعات، چنانچه محرمانه بودن محاکمه صلاح باشد باید به اتفاق آراء جمیع اعضاء محکمه باشد.»^۳

اصل هفتاد و نهم متمم قانون اساسی نیز می‌گوید: «در موارد تقصیرات سیاسیه مطبوعات، هیئت منصفین در محاکم حاضر خواهند بود.»^۴

از آنجا که قانون روشنی در خصوص مطبوعات وجود نداشت و هریک از قوانین نیز با تفسیرها و توجیه‌های آحاد با نفوذ جامعه و به خصوص روحانیان متنفاذ مواجه می‌گردید، محمدعلی شاه و درباریان، مقابله با مطبوعات را به دلیل جایگاه برجسته‌ای که در میان جامعه داشت در صدر فعالیت‌های خود قرار دادند و به بهانه‌های واهی شماری از مطبوعات را توقیف کردند.

ناگزیر از بیان این مطلب هستیم که بهانه‌جویی برای توقیف مطبوعات از پیش از تصویب قانون اساسی وجود داشت و کاستی‌های موجود در قانون اساسی نیز موجب نگردیده بود تا از فشارهایی که بر مطبوعات وارد می‌آمد کاسته شود.

ناظم الاسلام کرمانی، مورخ برجسته عهد مشروطه و مؤلف کتاب تاریخ بیداری ایرانیان که مدیریت روزنامه کوکب دری را نیز برعهده داشت، در اشاره به این که با چه شیوه‌ای می‌خواستند روزنامه‌اش را تعطیل کنند، آن هم کمی پیش از تصویب قانون اساسی، یادآور می‌شود: «شیخ حسن سنگلجی به محمدعلی میرزا گفت ناظم‌الاسلام در [روزنامه] کوکب دری

اعضای مجلس باید به قسمی باشد که روزنامه‌نویس و تماشاچی هم بتوانند ادراک کنند.»

اصل سیزدهم که بیشتر به روزنامه و

روزنامه‌نگار مربوط می‌شود، جز محدودکردن آزادی

نوشتار چیز دیگری پیش رو نمی‌گذارد؛ و علاوه بر این به

تدوین قانونی جداگانه برای چاپ و انتشار روزنامه‌ها نیز اشاره

نمی‌کند و درباره چگونگی مجازات تخلف مطبوعاتی خاموش

می‌ماند.

متن اصل سیزدهم قانون اساسی چنین است:

«مذاکرات مجلس شورای ملی از برای آنکه نتیجه آنها به موقع اجرا گذارده تواند شد، باید علنی باشد. روزنامه‌نویس و تماشاچی، مطابق نظامنامه داخلی مجلس، حق حضور و استماع دارند بدون اینکه حق نطق داشته باشند. تمام مذاکرات مجلس را روزنامجات می‌توانند به طبع برسانند بدون تحریف و تغییر معنی، تا عامه ناس از مباحث مذاکره و تفصیل گزارشات مطلع شوند. هرکس صلاح‌اندیشی در نظر داشته باشد در روزنامه عمومی بر نگارد تا هیچ امری از امور در پرده و بر هیچ کس مستور نماند. لہذا عموم روزنامجات مادامی که مندرجات آنها مخل اصلی از اصول اساسیه دولت و ملت نباشد، مجاز و مختارند که مطالب مفیده عام‌المنفعه را، همچنان مذاکرات مجلس و صلاح‌اندیشی خلق را بر آن مذاکرات، به طبع رسانیده منتشر نمایند و اگر کسی در روزنامجات و مطبوعات برخلاف آنچه ذکر شد و به اغراض شخصی چیزی طبع نماید یا تهمت و افترا بزند، قانوناً مورد استنطاق و محاکمه و مجازات خواهد شد.»^۵

از آنجا که قانون اساسی، قانونی کامل و جامع نبود و کمبودهای چشمگیری در آن مشاهده می‌شد، مجلس شورای ملی، هیئتی را مأمور تهیه «متمم» آن کرد. به این ترتیب، «متمم قانون اساسی» در ۱۰۷ ماده تهیه شد و در تاریخ ۲۹ شعبان ۱۳۲۵ قمری به امضای محمدعلی شاه رسید.

موردی که در «متمم قانون اساسی» به مطبوعات پرداخته شده به قرار ذیل است:

مجموعه
اسناد این کتاب
مشمول بر ۱۶۵ سند
است و در مواردی نیز چند سند
ذیل یک شماره قرار گرفته است. در
چنین مواردی غالباً شماره‌هایی فرعی ذکر
شده است. ۱۲ این گونه اسناد مشتمل بر ۲۵
سند است. در مجموع اسناد این
کتاب بالغ بر ۱۹۰ سند
می‌گردد.

است؛ جز اینکه کسی که به اشتباه درباره وی سخنی گفته شده است می‌بایست تلاش کند که وجود خود را از اتهام وارده مبرا سازد.

این طرز بیان نشان می‌دهد که هنوز در میان روزنامه‌نگاران و صاحبان جراید فکر اساسی در برخورد با خطاهای جراید شکل نگرفته است. سعی و تلاش آقای مسعود کوهستانی‌نژاد در تألیف کتاب اسناد دادگاهها و هیئتهای منصفه مطبوعاتی از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی بسی قابل تحسین و ارجگذاری است؛ چرا که تاکنون کتابی که مشتمل بر اسناد دادگاهها و هیئتهای منصفه مطبوعاتی آن هم متکی بر متن جراید باشد تهیه نشده بود و این اولین بار است که اسناد مطبوعاتی با استناد به خود مطبوعات منتشر می‌شود.

بیان این نکته لازم و ضروری است که بیشتر کتابهای مطبوعاتی مشتمل بر اسناد مطبوعات که در مراکز دولتی و غیردولتی منتشر شده است، به دلیل ارائه نکردن تصویری از اصل سند فاقد ارزش چشمگیری هستند؛ چرا که ممکن است دخل و تصرفهایی هنگام تحریر مجدد سند صورت بگیرد. به این معنا که مثلاً قسمتی از سند را تایپ و قسمتی دیگر را نادیده بگیرند. یا هنگام تایپ متن سند اشتباههای تایپی یا تصحیف عبارات صورت بگیرد. هریک از این موارد می‌تواند صدمات جبران‌ناپذیری در امر تحقیق پدید آورد. به خصوص این که دسترسی به اصل سند نیز کار شاقی است که از عهده هرکس برنمی‌آید.

آنچه که کتاب آقای کوهستانی‌نژاد را از این گونه کتابها متمایز می‌سازد، این است که هریک از اسناد مندرج در کتاب وی در دل یکی از جرایدی که به آن استناد شده نهفته است و اگر بر فرض در ارائه این اسناد دخل و تصرف یا اشتباهی صورت گرفته باشد، این امکان وجود دارد که با مراجعه به کتابخانه‌های بزرگ، ضمن دسترسی به جراید مورد استناد،

نوشته است: (امام موهوم به درد نمی‌خورد) و این عبارت کفر است باید او را به این جهت به قتل رسانید.

محمدعلی میرزا هم مستمسک کرد این عبارت موهوم را، نگارنده در جواب آنها گفت: اگر این عبارت در کوکب دری باشد خون من هدر است. لذا حکم شد که روزنامه کوکب دری را از اول تا به آخر بخوانند. سه شبانه روز شیخ مزبور را با ملامحمد آملی و اجزاء حاج شیخ فضل‌الله در مقام فحوص برآمده، چیزی ندیدند. شیخ‌الممالک قمی به آنها گفته بود این عبارت در روزنامه کلید سعادت است نه کوکب دری و نویسنده و مدیر آن شخص افغانی است که در مقام اجتهاد در اصول دین می‌گوید خدا و رسول و ولی را باید از روی دلیل و یقین بشناسند نه از طریق وهم [...] به هر جهت چون دیدند مستمسکی ندارند جز ورود به اجتماعات و مجامع، لذا پس از گرفتن التزام و توسط بعضی، از تقصیرم گذشتند.»^۱

روزنامه تمدن به مدیریت مدبرالممالک هرنندی در نخستین شماره، در ۱۷ ذی‌الحجه ۱۳۲۴ قمری، یعنی یک ماه و سه روز پس از تصویب قانون اساسی مشروطیت، درباره روزنامه و وظایف صاحبان جراید نوشت: «وظیفه صاحبان جراید آن است که دامن عفت خود را به لوث دروغ و اغراق و تملق و تفتین نیالایند. اگر نقصی یا حرکت خلافی در عالم انسان و انسانیت مشاهده کنند، صفحات جراید خود را مرآت و نماینده آن ساخته، منشأ و بانی را به طریقه تهذیب و اصلاح آن دعوت کنند. مصادر امور هم باید بدون تعلل و طفره درصدد علاج برآمده، اگر نسبتی که داده‌اند واقعیت داشت در صدد جبران برآمده، اگر به اشتباه سخنی گفته‌اند ساحت ذمت خود را از آن مبری سازند.»^۲

چنانکه دیدیم در این مطلب هیچ پیش فرضی برای برخورد با اشتباههای مندرج در روزنامه‌ها در نظر گرفته نشده



در مجموع باید گفت اسناد کتاب، بسیار دقیق و مستند تدوین شده و فصل‌بندی آن نیز دقت مضاعفی بر این اسناد بخشیده است. اسناد کتاب مشتمل بر چهار فصل است: فصل اول: شکل‌گیری موضوع محاکمات مطبوعاتی فصل دوم: محاکمات مطبوعاتی در فقدان قانون فصل سوم: عصر قانون‌گرایی فصل چهارم: فرجام کار نکته دیگر آن که هریک از اسناد این کتاب شماره‌ای را به خود اختصاص داده که آخرین شماره آن ۱۶۵ است. همچنین در مواردی نیز چند سند ذیل یک شماره قرار گرفته که آن نیز به دلیل هم‌پیوندی موضوع بوده است. چگونگی تدوین و ترتیب ۱۶۵ سندی که در این کتاب گرد آمده چنین است:

مشکل پدید آمده را مرتفع کرد. حال آنکه در دسترسی به اسناد دیگر، کار به این سادگی نخواهد بود؛ یا دسترسی به اصل سند میسر نخواهد شد یا دسترسی به آن پس از روزها و هفته‌ها دوندگی - آن هم با بردن معرفی‌نامه از مراکز و افراد متنفذ و پاسخ‌دهی به سؤالات متعدد و قانع کردن متولیان اسناد، امکان‌پذیر می‌گردد.

کتاب اسناد دادگاهها و هیئتهای منصفه مطبوعاتی از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی در ۷۶۵ صفحه و در قطع وزیری به چاپ رسیده است. از صفحه ۵ تا ۱۴ کتاب را «فهرست مطالب» و «فهرست اسناد» دربرگرفته و در ادامه آن، مقدمه‌ای مفصل از آقای کوهستانی‌نژاد آمده است که از صفحه ۱۵ تا ۸۱ را شامل می‌شود. اسناد کتاب نیز در صفحات ۸۳ تا ۷۳۶ گرد آمده است.

اسناد شماره ۱ تا ۷ در فصل اول آمده است، اسناد شماره ۸ تا ۴۰ در فصل دوم، اسناد شماره ۴۱ تا ۱۵۷ در فصل سوم و اسناد شماره ۱۵۸ تا ۱۶۵ در فصل چهارم. در ادامه نیز طی صفحات ۷۳۷ تا ۷۶۲ «فهرستهای راهنما» آمده که به ترتیب عبارت است از:

۱. اسمها
۲. جراید، روزنامه‌ها و مجلات
۳. مکانها
۴. متفرقه

در پایان کتاب نیز منابع و ماخذ آمده است.

نخستین سند مندرج در کتاب آقای کوهستانی نژاد به نقل از شماره دوم روزنامه صور اسرافیل است که در ربیع‌الآخر سال ۱۳۲۵ قمری منتشر شده و در آن شرح محاکمه میرزا جهانگیرخان صور اسرافیل آمده است. آخرین سند این کتاب نیز مقاله‌ای است با عنوان «مهار تازه‌ای برای اصل آزادی بیان» که در روزنامه آیندگان شماره ۳۲۳۲ منتشر شده است و تاریخ آن مهر ۱۳۷۵ را نشان می‌دهد.

همان‌طور که پیشتر گفتیم، مجموعه اسناد این کتاب مشتمل بر ۱۶۵ سند است و در مواردی نیز چند سند ذیل یک شماره قرار گرفته است. در چنین مواردی غالباً شماره‌هایی فرعی ذکر شده است.^{۱۱} این‌گونه اسناد مشتمل بر ۲۵ سند است. در مجموع اسناد این کتاب بالغ بر ۱۹۰ سند می‌گردد.

ماخذ این اسناد ۳۲ نشریه و ۳ کتاب است. نشریاتی که بیش از همه استفاده شده عبارت است از: ایران نو، اتحاد، اطلاعات، باختر امروز، روزنامه رسمی کشور، ستاره. ۶۵ درصد اسناد این کتاب از این ۶ نشریه گرفته شده است. اسامی ۳۲ نشریه به قرار ذیل است:

استانته رضویه (۲ سند)، آیندگان (۵ سند)، اتحاد (۳۰ سند)، ارشاد (۱)، اطلاعات (۲۳)، اقدام (۲) انعکاس (۳)، ایران (۸)، ایران نو (۳۳)، باختر امروز (۱۴)، بدر (۱)، برق (۳)، ترقی (۱)، جبل‌المتین (۱)، حقیقت (۱)، رعد امروز (۶)، روح‌القدس (۱)، روزنامه رسمی کشور (۱۳)، رهبر (۱)، ستاره (۱۲)، ستاره ایران (۱)، شرق (۱)، شفق سرخ (۲)، صدای ایران (۲)، صور اسرافیل (۱)، قانون (۴)، قرن بیستم (۱)، گلشن (۴)، مساوات

(۳)، ناصرالمله (۱)، ناهید (۱)، نوبهار (۱).

کتابهایی که اسنادی از آنها برگرفته شده عبارت است از: اسناد مطبوعات ایران جلد ۲ به کوشش کاوه بیات و مسعود کوهستانی نژاد (۱ سند)، مطبوعات ایران از شهریور ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۶، گردآورنده: حسین ابوترابیان (۲ سند)، مشروح مذاکرات نمایندگان مجلس شورای اسلامی، دوره چهارم، هشتم و سیزدهم (۵ سند).

ماخذ ۴ سند نیز ذکر نشده که بدین قرار است:

سند شماره ۱۳ (صص ۱۵۷-۱۵۸)، سند ۱۵۶ (صص ۷۱۴-۷۱۷)، سند ۱۵۷ (صص ۷۱۷-۷۲۱)، سند ۱۶۳ (صص ۷۳۲-۷۳۴).

مواردی از اشتباه

۱. در بیان ماخذ سند شماره یک، ذکر شده است: «صور اسرافیل، ش ۲، ۲۴ ربیع‌الآخر ۱۳۲۵ قمری، صص ۶-۸». حال آن که صفحه آن می‌بایست ۷-۹ ذکر می‌گردید.

۲. پاورقی شماره ۲ از صفحه ۲۹۳ از قلم افتاده است.

۳. یک مورد اشتباه مطبعی در سند شماره ۴۸ دیده می‌شود. این سند مشتمل بر هفت رباعی پیرامون هیئت منصفه مطبوعات است. در بیت دوم از رباعی دوم به جای اینکه نوشته شود: «ایجاد کنید هیئت منصفه را - با محکمه و هیچ دگر دم نزنید»؛^{۱۲} «را» که در مصراع اول آمده به اشتباه در مصراع دوم جای گرفته است.

نمونه‌خوانی دو سند و پاره‌ای اشتباهها و اغلاط و

افتادگیهای کلمات

سند شماره ۱

در نمونه‌خوانی سند اول یعنی مطلبی که در صور اسرافیل، ش ۲، ۲۴ ربیع‌الآخر ۱۳۲۵ قمری، صص ۷-۹ آمده است، سه مورد اشتباه و افتادگی دیده شد:

در صفحه ۸۶، سطر ۲۳ به جای «من نمی‌گویم باید به خاکپای» کلمه «باید» افتاده است. ص ۸۷، س ۲ به جای «بنویسم» به اشتباه «بنویسیم» تایپ شده است. ص ۸۷، س ۱۲ به جای «طرزهای مخصوص» نوشته شده است «فرازهای مخصوص».

سند شماره ۳

در نمونه خوانی سومین سند کتاب، یعنی مطلبی که در روح القدس، شماره ۱۴، ۲۷ ذی القعدة ۱۳۲۵ قمری، صص ۲-۴ آمده است، ۲۵ مورد اشتباه و افتادگی دیده شده است. یادآور می شود در بیان موارد یادشده، متن دقیق سند را در میان گیومه «» قرار داده و متن اشتباه یا افتادگی را در پرانتز () قرار داده ایم:

«وکلاء ملت»، (ملت) جا افتاده است: ص ۸۹، س ۳ / «نه آنکه»، (اینکه) نوشته شده است: ص ۸۹، س ۴ / «می گوئیم چنان»، (می گویم چنان) نوشته شده است: ص ۸۹، س ۵ / «به اتفاق مردمان»، (توافق مردمان): ص ۸۹، س ۶ / «نتوانند»، (بتوانند): ص ۸۹، س ۷ / «باید اول خودش»، (اول باید خودش): ص ۸۹، س ۱۰ / «فریضه»، (فرضیه): ص ۸۹، س ۱۱ / «الملک بیقی مع الکفر»، (مع) افتاده است: ص ۸۹، س ۱۵ / «فریضه»، (فرضیه): ص ۹۰، س ۸ / «بقدری»، (به قصدی): ص ۹۰، س ۱۰ / «نتوان»، (نمی توان): ص ۹۰، س ۱۵ / «تنزلزل»، (تنزلزل): ص ۹۰، س ۲۱ / «مانع از راحتی»، (از) جا افتاده است: ص ۹۰، س ۲۴ / «به وسواس»، (به وسواس):

ص ۹۰، س ۲۶ / «روح القدس را»، (را) افتاده است: ص ۹۰، س ۲۷ / «صدیق»، (صدق): ص ۹۰، سطر آخر / «روح القدس را»، (را) افتاده است: ص ۹۱، س ۲ / «مطالبه»، (مطلب): ص ۹۱، س ۷ / «وزیر عدلیه گفته»، (وزیر عدلیه گفت): ص ۹۱، س ۸ / «باکمال»، (با کمک): ص ۹۱، س ۱۰ / «موقوف»، (موقت): ص ۹۱، س ۱۵ / «هرکس باشد و هرچه باشد باید معین شود که»، پس از «هرکس» (که) اضافه شده و (باشد باید معین شود) حذف شده است: ص ۹۱، س ۱۸ / «من جهة ایشان»، (من) افتاده است: ص ۹۱، س ۲۲ / «کلاه خود را قاضی می کنیم»، (کلاه خود را قاضی کنیم): ص ۹۱، س ۲۸ / «لابدیم»، (لابد هستیم): ص ۹۲، س ۱۱.

پی نوشت ها:

۱. Conte de Monte Ferte

۲. ناصرالدین پروین تاریخ روزنامه نگاری ایرانیان و دیگر

پارسی نویسان جلد اول، چاپ اول، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۷، ص ۱۵.

۳. میرزا حسین خان سپهسالار، حکومت سایه ها (اسناد محرمانه و سیاسی میرزا حسین خان سپهسالار). به کوشش محمدرضا عباسی، چاپ اول، تهران، انتشارات سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۲، ص ۱۴۶.

۴. محمدحسن خان اعتمادالسلطنه روزنامه خاطرات. به کوشش و با مقدمه ایرج افشار، چاپ سوم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۶، ص ۵۳.

۵. La Patrie

۶. روزنامه تربیت. چاپ تهران، سال ۹، ش ۴۲۷، پنجشنبه ۲۵ ذی القعدة ۱۳۲۴ قمری. در این شماره متن کامل قانون اساسی مشروطیت مندرج است. اصل ۱۳، ص ۲۳۳۱؛ اصل ۳۸، ص ۲۳۳۳.

۷. ستاره علوی و رضا نواب پور. داستان انقلاب (کتاب مرجع)، چاپ اول، انگلستان - لندن، ناشر: Ltd Soundwords، ۱۳۷۱، ص ۱۳۳.

(متن کامل قانون اساسی مشروطه و متمم آن در صفحات ۱۱۹ تا ۱۵۱ آمده است.)

۸. همان منبع، ص ۱۴۱.

۹. همان منبع، ص ۱۴۲.

۱۰. ناظم الاسلام کرمانی تاریخ بیداری ایرانیان. به اهتمام علی اکبر سعیدی سیرجانی. چاپ چهارم، تهران، انتشارات آگاه و انتشارات نوین، بخش اول، ۱۳۶۲، ص ۱۸۱.

۱۱. روزنامه «تمدن»، چاپ تهران، ش ۱، (۱۷ ذیحجه ۱۳۲۴ قمری)، ص ۱.

۱۲. مواردی نیز وجود دارد که چند سند ذیل یک شماره قرار گرفته و شماره های فرعی ای نیز برای این اسناد در نظر گرفته نشده است. به عنوان نمونه رجوع کنید: سند شماره ۱۹ (صص ۱۷۳-۱۷۸).

۱۳. اسناد دادگاه ها و هیئت های منصفه مطبوعاتی، ص ۸۸.

۱۴. همان منبع، ص ۲۴۸.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تلفنی (Phone Phreaks) بودند. این گونه نفوذگران به مراقبت کنید. کسانی که اتصالاتشان با اینترنت دائمی است، داخل سیستمهای تلفنی شرکتها نفوذ می‌کردند و به مکالمه‌های تلفنی گوش می‌دادند؛ یا به مدت طولانی از تلفن شهری برای مکالمه‌های راه دور استفاده می‌کردند. در نتیجه، صورت حساب‌های کلان برای صاحبان این خطوط از طرف مخابرات صادر می‌گردید. کتاب هکر (نفوذگر)، به بررسی و تجزیه و تحلیل روشهای نفوذ کردن و نیز مقابله با آن در سیستم‌های رایانه‌های می‌پردازد. یک هکر همیشه دوست دارد از همه چیز سردرביاورد تا بتواند به لایه‌های امنیتی نفوذ کند. یا این که همه چیز را درباره شبکه و سیستمهای رایانه‌ای بداند. تمایلات نفوذگران آکادمیک و نظری است. بنابراین، هرگز و هیچ وقت خطری ندارند. آنها دوست دارند فقط پرنده را ببینند، بدون آنکه بخواهند به آن صدمه‌ای بزنند؛ زیرا آنها فقط مجذوب پرنده هستند.

وقتی به اینترنت متصل هستید، باید از کامپیوتر خود بسیار در اغلب موارد، نفوذ هنگامی اتفاق می‌افتد که کامپیوتر شما روشن است ولی کار نمی‌کند. برخی از نرم‌افزارها می‌توانند تمام برنامه‌های شما را جست و جو کنند و کلمات عبور و فهرست شماره تماسها را به دست آورند و سپس از نام کاربری شما سوءاستفاده کنند و در وب شما را به جای شخص دیگری معرفی کنند؛ یا حتی از امکانات و اختیارات شما سوءاستفاده کنند. به عبارت دیگر، نفوذگران می‌توانند از

مراقبت کنید. کسانی که اتصالاتشان با اینترنت دائمی است، داخل سیستمهای تلفنی شرکتها نفوذ می‌کردند و به مکالمه‌های تلفنی گوش می‌دادند؛ یا به مدت طولانی از تلفن شهری برای مکالمه‌های راه دور استفاده می‌کردند. در نتیجه، صورت حساب‌های کلان برای صاحبان این خطوط از طرف مخابرات صادر می‌گردید. کتاب هکر (نفوذگر)، به بررسی و تجزیه و تحلیل روشهای نفوذ کردن و نیز مقابله با آن در سیستم‌های رایانه‌های می‌پردازد. یک هکر همیشه دوست دارد از همه چیز سردرביاورد تا بتواند به لایه‌های امنیتی نفوذ کند. یا این که همه چیز را درباره شبکه و سیستمهای رایانه‌ای بداند. تمایلات نفوذگران آکادمیک و نظری است. بنابراین، هرگز و هیچ وقت خطری ندارند. آنها دوست دارند فقط پرنده را ببینند، بدون آنکه بخواهند به آن صدمه‌ای بزنند؛ زیرا آنها فقط مجذوب پرنده هستند.